

مرجع حل اختلاف همان دادگاه شهرستان است و اگر هر دو در حوزه يك دادگاه شهرستان نبوده ولی در حوزه يك دادگاه استان باشند مرجع حل اختلاف دادگاه استان است و در غیر اینصورت یعنی در مورد يک هر دو دادگاه بخش در حوزه يك دادگاه استان نباشند مرجع حل اختلاف دیوان کشور خواهد بود (ماده ۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی) هرگاه حل اختلاف بین دادگاه بخش و دادگاه شهرستان (محکمه بدایت) باشد مرجع حل اختلاف، دادگاه استانی است که طرفین در حوزه آن واقع شده اند و اگر در حوزه يك دادگاه استان نباشند مرجع حل اختلاف دیوان کشور است (ماده ۵۰ قانون آیین دادرسی مدنی) در صورتیکه اختلاف بین دو دادگاه شهرستان باشد و هر دو در حوزه يك دادگاه استان باشند مرجع حل اختلاف همان دادگاه استان است و الا مرجع دیوان تمیز خواهد بود (ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی) و اگر اختلاف بین دو دادگاه استان یا دادگاه شهرستان و اوستان باشد مرجع حل اختلاف دیوان کشور است.

بموجب ماده ۲۰۲ قانون اصول محاکمات جزائی و همچنین بموجب ماده ۵۵ قانون آیین دادرسی مدنی مقاماتی که اختلاف بین آنان حاصل شده است حق ندارند خود اختلاف را در مرجع صالح مستقیماً طرح نمایند بلکه طرح اختلاف بواسطه شکایت اشخاصیکه در موضوع شرکت دارند از قبیل متهم یا شاکی یا شاکی خصوصی و یا اشخاص ذینفع در دعوا و یا مدعی العموم باید بعمل آید و به تقاضای آنان است که مرجع حل اختلاف به موضوع رسیدگی کرده رأی صادر مینماید و رأی آن قطعی و قابل اجرا میباشد (ماده ۵۳ قانون آیین دادرسی مدنی).

بنا بر آنچه ذکر شد در قوانین ماهم دو اصلی که بموجب آن : مقاماتی که بین آنان اختلاف حاصل شده است حق ندارند مستقیماً حل آنرا از مراجع بالاتر بخواهند و موضوع باید بواسطه شکایت اشخاص یا مدعی العموم مطرح شود و همچنین اصل دیگر رأی مرجع حل اختلاف قطعی و قابل اجرا میباشد، پیش بینی شده است.

قواعد اختصاصی صلاحیت - بموجب قوانین ماهم قواعد اختصاصی صلاحیت از نقطه نظر جرم و شخص متهم و محل وقوع قابل تغییر است که به ترتیب هر يك را

بیان خواهیم نمود .

۱- از نقطه نظر جرم، صلاحیت عمومیت دارد یعنی مدعی العموم و همچنین مستنطق در حوزه صلاحیت خود حق رسیدگی تمام جرائم را اعم از جنحه و جنایت دارند پس از تحقیق و بازجویی متهمین را بمحاکمی که صلاحیت رسیدگی باتهام آنها را دارد میفرستند و همچنین از نقطه نظر شدت و ضعف جرم، صلاحیت دادگاه تغییر پیدا میکند، یعنی هر چه جرم شدیدتر باشد از حیث تشکیل محاکم و اصول محاکمه قانون، تشریفات بیشتری را برای حفظ منافع متهم و جامعه قائل شده است، بموجب ماده ۱۸۱ قانون اصول محاکمات جزائی جرائم بسه درجه تقسیم شده است (جنایت جنحه - خلاف) و بموجب ماده ۱۸۵ رسیدگی بخلاف و جنحه های کوچک از وظائف صلحیه و رسیدگی به جنحه های بزرگ از وظائف محکمه ابتدائی و رسیدگی بجنایت با محکمه جنائی قرار داده شده است.

۲- از نقطه نظر شخص متهم نیز صلاحیت، قابل تغییر است چنانکه بموجب ماده ۱۸۹ قانون اصول محاکمات جزائی محاکمه وزراء در هیئت عمومی دیوان تمیز بعمل می آید و بموجب مواد ۱۹۱ تا ۱۹۴ قانون مزبور محاکم نظامی، صالح برای رسیدگی باتهام صاحب منصبان و افراد نظامی هستند و همچنین بموجب ماده ۱۹۰ اگر شخص غیر بالغ مرتکب جنایت شود محکمه جنحه صلاحیت رسیدگی باتهام او را دارد بنابراین از مطالعه در مواد مزبور و سایر قوانین مربوطه معلوم میشود که از نقطه نظر شخص متهم نیز بموجب قوانین ما، صلاحیت دادگاهها قابل تغییر است.

۳- از نقطه نظر محل وقوع جرم نیز صلاحیت قابل تغییر است در امور خلافی فقط کمیسر پلیس و دادگاهها بیکه جرم در حوزه آنها واقع شده است صالح برای تعقیب و رسیدگی میباشد ولی در امور جنحه و یا جنایت گرچه اصولا همیشه مقامات قضائی محل وقوع جرم اعم از مدعی العموم و مستنطق و دادگاه صلاحیت تعقیب و تحقیق و رسیدگی بجرمی که در حوزه آنها وقوع یافته است دارند ولی از مطالعه در قوانین بدست می آید که در بعضی موارد بمقامات قضائی که متهم در حوزه آنها دستگیر شده و با اقامت دارد نیز حق تعقیب و رسیدگی داده شده است.